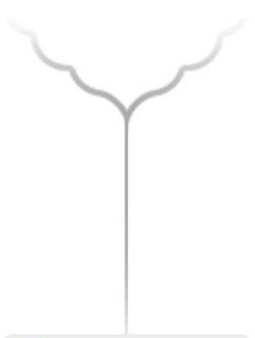




# اربعین و کفکو از وحی الهی

حجت الاسلام موسویان



 @sabbar\_ir

sabbar.ir

## اربعین و گفتگو از وحی الهی

(۱) ما باید متوجه روحی باشیم که به اراده‌ی الهی در زمانه‌ی ما در حال جاری شدن است و حرکات و سکناات مردم از آن خبر می‌دهد، تا بتوانیم تأثیرگذار باشیم. همه چیز خبر از آن می‌دهد که دوره‌ی بی‌دینی گذشته است و تاریخ آینده را دین‌داران شکل می‌دهند ولی نه با قرائت روشنفکری غربی، بلکه با قرائت انبیاء که نظر به مردم دارند. باید بفهمیم دست و دل مردم در اربعین‌ها به چه تاریخی اشاره دارد تا گرفتار بی‌تاریخی نباشیم.

(۲) قرآن به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (نحل/۴۴) ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل کردیم تا آن‌چه بر مردم نازل شده است را تبیین کنی. یا در سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: ای پیغمبر! بگو؛ «آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا» (آل‌عمران / ۸۴) ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم. نمی‌گوید به آنچه بر من نازل شد ایمان آوردم.

(۳) خداوند در آیه‌ی ۵۲ سوره‌ی آل‌عمران می‌فرماید: «فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ تا این‌جا خبر از سخنانی است که بین حضرت عیسی عليه السلام و حواریون انجام شده، ولی در آیه‌ی ۱۱۱ سوره‌ی مائده می‌فرماید: «وَ إِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ». ملاحظه کنید چگونه خداوند در آن تاریخ برای دگرگونی حاکمیت بنی‌اسرائیل نه تنها به حضرت عیسی عليه السلام وحی می‌کند، بلکه به یاران حضرت نیز یک‌نوع وحی می‌شود تا شعور لازم جهت فهم اراده‌ی الهی در آن تاریخ را در خود حس کنند و با حضرت عیسی عليه السلام یک‌نوع همسخنی جهت ظهور تاریخی جدید داشته باشند.

۴) بزرگان فکر و اندیشه با نظر به آیات فوق متذکر می‌شوند: تحولات تاریخی ابتدا در دل‌ها رخ می‌دهد و از این جهت دل‌ها دگرگون و خواستن‌ها عوض می‌شود زیرا دل‌ها متأثر از اراده‌ی خاص حضرت حق در دوران خود می‌باشند و وظیفه‌ی اندیشمندان، که آن‌ها نیز از تجلیات اراده‌ی الهی متأثرند، متذکر کردن انسان‌ها است در راستای اراده‌ی الهی، تا سستی و تنبلی و امیال نفس‌آماره، مردمان را از تجلیات الهی محروم نکند.

۵) نباید حرکتی را که در این تاریخ در اربعین ظهور کرده است با یک نگاه محدود تعریف کرد و در همین رابطه باید گفت؛ این حرکت در عین آن که یک حرکت خودجوش اجتماعی است، حرکتی است که خداوند آن را بر قلب مردم اشراق نموده و هر کس به اندازه‌ای که بخواهد در این تاریخ، خود را با اراده‌ی الهی تطبیق دهد در ذیل آن قرار می‌گیرد.

۶) وحی و اشراق الهی یک حقیقت همه‌جانبه و کامل است که عقل جزء نگر نمی‌تواند عظمت آن را بیابد. درک وحی انسان‌های ذو ابعاد طلب می‌کند. وحی یک امر وجودی است که هر کس از ساحت خود به آن نظر می‌کند و بُعدی از آن را می‌یابد. به همین جهت وحی دارای بطونی است که تا قیامت با توجه به ظرفیت و وسعت افراد بطنی را برای منتظر کشف آن، می‌گشاید.

۷) اندیشه اندیشمندان به هر زبانی، نظر به آن حقیقت دارد؛ و بُعدی از ابعاد پنهان آن حقیقت را بیان می‌کند. فرقی نمی‌کند چه کسی باشد، مومن یا غیر مومن؛ به همین جهت فرمودند امام علیه السلام: **خُذِ الْحِكْمَةَ أَنَّى كَانَتْ؛ فَإِنَّ الْحِكْمَةَ تَكُونُ فِي صَدْرِ الْمُنَافِقِ فَتَلْجَلُجُ فِي صَدْرِهِ حَتَّى تَخْرُجَ، فَتَسْكُنَ إِلَى صَوَاحِبِهَا فِي صَدْرِ الْمُؤْمِنِ**. حکمت را هر کجا باشد فرا گیرید؛ زیرا حکمت در سینه منافق می‌باشد، و پیوسته ناآرام است تا از آن جا خارج شده در سینه مؤمن، در کنار همگنان خود آرام گیرد.

۸) هرکسی مجلی فیضی خاص در عالم هستی است (الطرق الی الله بعدد انفاس الخلائق) و لذا کافیت با چشم و نظر به وحی به حرکت هایی مثل اربعین توجه کنیم تا در بستر گفتگو و مباحثه مومنین حقیقت هایی متجلی شود و ابعادی ظهور کند، که عقل ها جزء نگر در نظر به آن متحیر می مانند.

۹) آزاد اندیشی غیر از مناظره است بلکه آزاد اندیشی نظر به ابعاد مغفول مانده از حقیقت است. کافی است فکر و اندیشه خود را نهایت مسئله ندانیم و منتظر باشیم تا فرج و گشودگی<sup>۱</sup> محقق شود (انتظار الفرج من الفرج) و جریان های خود جوش مردمی آنچه به آنها در تاریخشان الهام می شود را به ظهور برسانند.

۱۰) تنها انسانهایی که نظر به جمع دارند و مافوق نگاه مدرن زده، خود را از انحصار طلبی بیرون نگه داشته اند می توانند با روحیه ایثار حقایقی را کشف کنند و به جامعه خبر دهند که؛ افضل من انبیاء بنی اسرائیل اند. آری حقیقت در جماعت است که ملائکه الهی از نظر به اسم الله عاجزند و از حساب آن قاصر. وَ الزموا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ.

۱۱) با این اربعین تعرض انسان به اومانیسیم و تقلیل گوهر آدمی، شروع شده است و چیزی در انسان این تاریخ رخ داده و بر هستی او حاکم گردیده که دیگر نمی تواند در تاریخی زندگی کند که قوام آن را اومانیسیم شکل داده است. جریانی که با اربعین شروع شده طوری است که زمینه ساز حضور شیعه در معادلات جهانی می شود و تا تحقق تمدن اسلامی و عبور از فرهنگ استکباری توان پیشرفت دارد.

۱۲) در حماسه‌ی اربعین حسینی رفتارهایی از تمدن‌سازی شیعه ظهور می کند که هرگز به چشم فرهنگ غربی نمی آید، از مردان و زنان محترمی که با پای پیاده خود را به ساده‌ترین شکل در انبوه جمعیت غرق کرده‌اند تا از آنانیت خود هیچ چیز باقی

<sup>۱</sup> جناب حافظ: خیز تا از در میخانه گشادی طلبیم به ره دوست نشینیم و مرادی طلبیم

نگذارند تا خادمان زوَار که با اندک بضاعت خود در خدمت زوَار قرار می‌گیرند همه در حال نشان‌دادن اهدافی برای زندگی دینی هستند

(۱۳) فرهنگ مقابله با انبیای الهی همیشه فرهنگ کمیت‌گرا بوده است و دشمنان انبیاء همیشه به کمیت‌ها امیدوار بوده‌اند و نه به کیفیت‌ها و به امور الهی و معنوی. همیشه بن‌بست مربوط به فعالیت‌های مادی و کمیت‌گرا است. روح کیفیت‌گرای جهان اسلام و شیعه که در دو‌یست سال اخیر گمان می‌کرد با واقع‌شدن در فرهنگ مدرنیته می‌تواند آن روح و روحیه را ادامه دهد، متوجه شده با رشد فرهنگ مدرنیته عملاً روح کیفیت‌گرا به حاشیه می‌رود لذا بین کیفیت‌گرایی اسلامی و فرهنگ کمیت‌گرای مدرنیته حالت تقابلی به ظهور آمد. باید شعف زندگی در نگاه کیفی را در اربعین بیایم تا یاس از تمدن مدرن و زندگی بدون امام زودتر محقق شود.